



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۲۰/۰۹/۰۸



محمد داؤد مومند

مضمون و طنیرستانه استاد قدرت الله حداد



در زمره کتنگ اخبار ها، نظرم به مضمون جالبی برخورد، به قلم ژورنالیست و نویسنده صاحب نظر، مغفور استاد قدرت الله حداد، که سالیان بسیار قبل در اخبار وزین افغان رساله، منطبعه کانادا بدست نشر سپرده شده بود، استاد حداد مقاله خود را چنین آغاز می نماید:

در زندگی ملی، پیش آمد هایی به گونه مبداء و سر آغاز قرار می گیرد، تاریخ افغانستان از آن زمانه ها که گفته اند، بسیار فراتر است. خوشبختانه از همان هزارها سال پیش سر آغاز مسائلی بوده است که سرنوشت بشر را به سوی تکامل برده است.

داستانی است بنام شهر سمک، در پایان کتاب صدها لغت از زبان شهر سمک که بزبان رایج در ایران ترجمه شده است. تاریخ و حوادث تاریخی، باورها را تغییر میدهد، مانند معاهده انگلیس ها با ایران در سال هژده صد عیسوی که اعلیحضرت امان الله خان متوجه آن بود، بعد از استقلال سیاسی، به نام استقلال ادبی فرمودند «کلمات مروج ایرانی و کلمات انگلیسی در زبان های افغان به کار نرود، حالا باید به هویت ملی و استقلال ادبی توجه شود» نگارنده به این کتب دسترسی دارد، دانستن تاریخ چیزی است و به کار بردن اثرهای آن در سیاست ملی چیز دیگری، یک افغان، افغان هست و یا نیست، ولی افغان بودن وجایی دارد.

نجوا و کنگاش بخاطر چند کلمه پشتو در دری و چند کلمه دری در پشتو کاری است برای بیکار که بیگار گرفته شود. دولت افغانستان با وجود ولسی جرگه، مشرانو جرگه، کابینه و ریاست جمهوری، وجود ندارد، زیرا جهان سرمایه داری و دول صنعتی با تکنالوژی قوی و مدرن اروپا، اضلاع متحده و سازمان ملل متحد نتوانستند در طول سالیان متمادی، دولت را دولت بسازند، از چیزی که ساخته نشده است چه اندیشه؟

پښتو، پښتونولۍ و پښتانه

پښتو میتواند پښتونولۍ هم باشد، این پښتون هاست که زبان شان پښتو و رسوم و عادات شان پښتونولۍ نامیده میشود، هرکسی که پښتو صحبت کند و به پښتونولۍ عمل کند، پښتانه شناخته میشود، درینجا مسئله نسل و نژاد در میان نیست، که حرف خوبی است.

آمدن جهان سرمایه داری از غرب به شرق، و دو جنگ که بار اول به نام عمران و آبادی «استعمار» نفوذ یافت، افغان ها را بسیار متضرر ساخت. سرمایه داری داخلی به نام دیموکراسی، تداوم همان پالیسی شمرده میشود.

ائتلاف شمال و پښتانه، بازی دیگر آن است، که اکنون پښتو و پښتانه را از حساب بیرون می کشند. این ها تاریخ را ملاحظه نمی کنند، و هر مطلبی را از زبان دیگران پیروی می کنند. بر چند لغت پښتو در زبان دری به پرخاش برخاسته اند.

دولت موجوده کشور محصول اراده کشورهای سرمایه داری اضلاع متحده، اروپا و آله دست شان سازمان ملل متحد است. اینها پښتو، پشتونولی و پښتانه را نمیخواهند و نامش را گذاشته اند جمهوری اسلامی افغانستان، اینرا گویند اسم بی مسماء. در طول تاریخ افغانستان، ساکستان بود، زابلستان هم نامیده شده، سورستان بود پکتیا بود. تاریخ یک مرحله طولانی است. متکی بر اسناد، تاریخ افغان ها قدیمی تر از میلاد است، درین فرصت زمانی چقدر دگرگونی ها صورت پذیرفته است. در تاریخ ساکستان، سورستان، پاکتیا و افغانستان آمده است، نام افغانستان هرگز خراسان نبود. این ادعا از ریشه نادرست است.

خراسان بود و هنوز هم هست، و جایش معلوم است. قلمرو کوشانیان، یفتلیان، صفاریان و غیره تا سال ۱۸۰۹ یک ولایت افغانستان بود.

قبل از اسلام کدام نوشته فارسی وجود ندارد، بعد از اسلام از برکت یک شخصیت اسلامی که حضرت سلمان فارس بود، دری، فارسی نام گذاری شده است، مشران افغان نیز بدان علاقه مند بودند که زبان یک صحابی است. غازی امان الله خان بعد از کسب آزادی فرمودند که «که در زبان فارسی افغانستان (بعداً دری) از استعمال کلمات ایرانی باید خود داری نمود» که ارشاد بسیار خوبی بوده است که استقلال ادبی و استقلال اقتصادی، جزء لاینجزای استقلال سیاسی است.

تذکر: متصل وفات استاد قدرت الله حداد، افغانی کلتوری تولنه در شمال کلیفورنیا، محفل با شکوهی به مناسبت تجلیل شخصیت استاد حداد برگزار کرد، که در آن جناب محترم داکتر صاحب سید عبدالله کاظم، داکتر صاحب کوچی و یک عده منورین منطقه، صحبت های فاضلانه ایراد نمودند.

با عرض حرمت



[هرگاه مایل باشید مطالب دیگر این نویسنده را مطالعه کنید، اینجا کلیک نمایید](#)